

لیلی و الشیخ زید

سینمایی در در شعر نظامی

محبوبہ یاک نیا



ادبیات





شیرین و لیلی

سیما زن در شعر نظامی

دکتر محبوبه پاک نیا





تهران، خیابان شریعتی، بالاتر از سهراه طالقانی،
خیابان نیرو، شماره ۷/۱ واحد ۲، تلفن: ۷۷۶۲۶۳۷۹

شیرین و لیلی

سیمای زن در شعر نظامی

محبوبه پاکنیا

● چاپ اول ۱۴۰۰ تهران ● شمارگان ۵۰۰ نسخه ● قیمت: ۴۶۰۰۰ تومان

● صفحه‌آرایی: علی‌اکبر حکم‌آبادی ● چاپ و صحافی: نازو

● طراح جلد: مریم اسدی خونساری

شابک: ۹۷۸-۲-۶۹۱۷-۶۹۴-۹۷۸

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است Printed In Iran

مسنونه	: ماین، محمد به. ۱۳۴۲ -
عنوان فرازدادی	: خسرو و شیرین . سرح
عنوان و نام پدیدآور	: شیرین و لیلی: سیمای اخلاقی - اجتماعی زن در شعر نظامی / محبوبه پاکنیا.
مشخصات نشر	: تهران : گام نو ، ۱۳۸۸ .
مشخصات ظاهری	: ۲۲۸ ص.
شابک	: 978-964-6917-26-2
موضوع	: وضعیت فهرست نویسی
موضوع	: فیبا
موضوع	: یادداشت
موضوع	: کتابنامه: ص. ۱۷۵.
موضوع	: نظامی، الس. ب. سفت، ۸۵۳۰ - ۹۶۱۴ ق. -- شخصت‌ها -- زنان
موضوع	: نظامی، یاس بن یوسف، ۸۵۳۰ - ۹۶۱۴ ق. خسرو و شیرین -- نقد و تفسیر
موضوع	: نظامی، یاس بن یوسف، ۸۵۳۰ - ۹۶۱۴ ق. لیلی و مجنوں -- نقد و تفسیر
موضوع	: شعر فارسی. -- قدن ۶۴ ق. -- تاریخ + نقد
شناسه افزوده	: نظامی، یاس بن یوسف، ۸۵۳۰ - ۹۶۱۴ ق. خسرو و شیرین
شناسه افزوده	: نظامی، یاس بن یوسف، ۸۵۳۰ - ۹۶۱۴ ق. لیلی و مجنوں
ردہ بندی کنکره	: PIR۵۱۷ / ۱۳۸۹
ردہ بندی دیبوری	: ۲۳/۱۶۸
شماره کتابشناسی ملی	

فهرست

۹	آغاز سخن
۲۶	زیبائی، وصف نخست
۲۷	شادخواری زنان دربار
۳۰	شاپور در پی شیرین
۳۲	زن، ابتکار عاشقی
۳۷	شیرین در چشم
۴۲	بت سنگین دل نازک میان
۴۴	مهین بانو، عقلانیت زنانه
۴۷	تبعیت از خواست مردان
۵۱	رزم آوری ندیمگان
۵۴	هوشیاری شیرین و ناکامی خسرو
۵۸	ازدواج خسرو با مریم
۶۱	زنان مرد

۶۵	افسانه افسونکاری زن
۷۲	افسانه بی وفایی زن
۷۶	افسانه شیطنت زن
۷۸	تأکید بر تساوی
۸۳	عاشقی فرهاد بر شیرین
۹۰	اغفال فرهاد از سوی شیرین
۹۶	رفتن مریم و آمدن شکر
۱۰۰	خسرو بر در بسته شیرین
۱۰۶	جدال شیرین با خود
۱۰۸	وصال شیرین
۱۱۰	وصف عجوزه
۱۱۳	سیاست پیشگی شیرین
۱۱۸	خودکشی شیرین

لیلی و مجنون (۱۲۳-۲۰۴)

۱۲۸	باز هم زیبائی صفت نخست
۱۳۰	دلربائی و اغواگری زن
۱۳۶	خواستگاری ستی
۱۳۹	گلایه قیس و عذر لیلی
۱۴۱	نامه نگاری عاشق
۱۴۲	جنگ با پدر معشوق

۱۴۸	قضاویت و پیشنهاد نوفل
۱۵۲	جنون عاشق
۱۵۸	انفعال معاشق
۱۶۰	ازدواج برای خروج از بحران
۱۶۵	لیلی با شوهر، صبوری و گستاخی
۱۷۱	لیلی متزلزل میان زندگی و عشق
۱۷۲	خبرچینی مردان از بیوفانی زنان
۱۷۷	زبونی عاشق
۱۸۱	نصیحت‌های پدر به مجنوں
۱۸۳	لیلی و ضعف زنانه
۱۸۸	مناقشه میان لیلی و مجنوں
۱۹۱	عشق زمینی، عشق آسمانی
۲۰۰	مرگ عاشقان

نتیجه (۲۰۵-۲۲۳)

۲۲۵	منابع
-----	-------

آغاز سخن

بخش نخست این تحقیق، که پژوهشی در مقام زن در مثنوی‌های بزرگ داستانی است، به شاهنامه اختصاص داشت، و در کتاب رودابه و سودابه در سال ۱۳۸۸ منتشر شد^۱; هرچند به سبب مشکل مشهور انتشارات دانشگاهی چندان دیده نشد. بخش دوم این تحقیق قرار بود که کوتاه‌زمانی پس از آن به نشر سپرده شود، باری مشکلاتی پیش آمد و این کار بارها به تأخیر افتاد. تا اینکه سرانجام بعد از نزدیک به یک دهه از نگارش آن، تا جایی که به نویسنده مربوط است، اینک تصمیم به انتشار آن قطعی شد.

داستان‌های منظوم نظامی به مثنوی بزمی مشهور است. صفت بزمی برای این داستان‌ها حکایت از این دارد که انگیزه اصلی از آن لذت و لذت‌خواهی است؛ یعنی لذت‌های رایج، که معمولاً در حال آسایش و آرامش به دست می‌آید، در آن محوریت دارد. از همین رو در آن با صحنه‌های خوردن، نوشیدن، ساز و آواز شنیدن، و مهم‌تر از همه،

۱. محبوبه پاکنیا، رودابه و سودابه: سیمای سیاسی - اخلاقی زن در شاهنامه، انتشارات دانشگاه الزهرا، تهران، ۱۳۸۸.

معاشرت با زنان روبه رو هستیم. این در مقابل مثنوی های داستانی عرفانی و مثنوی های داستانی رزمی، قرار می گیرد. در اشعار داستانی رزمی محور داستان لذت نیست، یا الذتی که در شادمانگی دست می دهد، نیست؛ محور آن قدرت و قدرت طلبی است و کلیه چیزهایی مثل غرور و فتح و غلبه و افتخار و انتقام و ... که با قدرت و خواست قدرت مرتبط است. در سروده های عرفانی موضوع به کلی متفاوت است، نه بزم در مرکز دغدغه است و نه رزم، بلکه بحث برسر تعالی معنوی انسان و دوری از بزم و رزم و یافتن اسرار حقائق الهی و ازلی عالم و شیوه های دل کنند از وابستگی های مادی و رفتن به سوی هدف روحانی است.

پیش از نظامی، فردوسی حق شعر داستانی رزمی را ادا کرده بود و از این نظر کمبودی حس نمی شد. فردوسی چنان حماسه ای خلق کرد که نیاز مردمان و علاقه آنان به داستان رزم و نبرد و شکست و پیروزی و ... را به قوی ترین شکل پاسخ گفت. اشعار عرفانی هم اگرچه هنوز سرایندگان بزرگ خود را پیدا نکرده بود، اما شروع شده بود و سنایی پیش از نظامی و عطار هم زمان با او در این راه پا گذاشته بودند. خود نظامی هم در اولین کتاب از «خمسه» در همین راه قدم گذاشت و گرچه خود عارف نبود، گویا بدون دلیستگی به آن مفاهیم و معانی هم نبود. ولی نظامی جای خالی در شعر را داستان های عاشقانه دید و به رفع آن همت گماشت و به نتایج عالی رسید. او دریافت که عرفان و شعر تعلیمی صوفیه بیشتر مورد علاقه افراد خاصی است و حماسه هم تا حدی همین طور، در حالی که داستان بزمی مورد علاقه عموم مردم است و هم جای آن خالی است و هم طرفدار آن بسیار. علاوه بر این داستان های بزمی او چندان هم بزمی نیست؛ روایت عشقی که یا ناکام است یا دیرکام، و در هردو حال درآمیخته با انبوه رنج، به دشواری ذیل بزم قرار می تواند گرفت. لیکن و مجنون گرچه

یک داستان عشقی است، اما از بزم در آن خبری نیست؛ بلکه حتی می‌توان گفت که شبیه یک تراژدی است. خسرو و شیرین هم گرچه از بزم خالی نیست، اما داستانی پرتکاپو و درامیخته با ناامیدی‌ها و ناکامی‌ای‌ها و درگیری‌ها است. تازه هنگامی هم که پای بزم به میان می‌آید، نظامی در کار توصیف بزم به هیچ روپرده‌دری نمی‌کند و آداب‌دان است و اخلاق رادر همه جا پاس می‌دارد. ولی با این همه، از این هم ابائی ندارد که داستان‌های شعری خود را هوسنامه بخواند و علت پرداختن به آن را میل عام به آن.

ولیکن در جهان امروز کس نیست
که اورا بر هوسنامه هوس نیست (ص ۱۲۵)

و سپس جواب مخالفان احتمالی را که از فایده چنین کاری می‌پرسند می‌دهد. ممکن است گفته شود بفرض که همگان علاقه‌مند داستان‌های عاشقانه یا همان هوسنامه باشند، آیا این دلیل فراهم آوردن اسباب آن می‌شود؟ این چه فایده‌ای دارد؟ نظامی سرایین علاقه و فایده آن را این‌گونه توضیح می‌دهد.

اگر خود عشق هیچ افسون نداند
نه از سودای خویشت وارهاند (ص ۱۲۶)

می‌گوید عشق این فایده را دارد که انسان را به خود، یعنی به عشق و به معشوق، مشغول می‌کند و نمی‌گذارد در مشکلات خود و چکنم‌های آن غرقه شود. عاشقی انسان را از ناامیدی و حس بد‌بختی و سردی دور می‌کند و به او هیجان و گرمسی و امید می‌دهد و باعث شورمندی و

شادمانگی او می‌شود. این همان سخن مشهوری است که بعدها حافظ و مولوی و سعدی هم گفتند. مولوی می‌گوید: این طلب قرار توموجب بی قراریت / طالب بی قرار شوتا که قرار آیدت. حافظ می‌گوید: زلف آشفته او موجب جمعیت ماست / چون چنین است پس آشفته‌ترش باید کرد. فارغ از این که موضوع و متعلق عشق چه باشد، عاشق شدن، انسان را از تفرق انبوه دغدغه‌ها بیرون می‌آورد، او را از سودای خود، یعنی از فکر مدام درباره انبوه پرسش‌های بی‌پاسخ و خواست‌های بریامدنی نجات می‌دهد. و گرچه خود عشق هم مشکلات بسیار می‌آفریند اما متمرکز است و نوع مشکلات هم به گونه‌ای است که بیش ترا می‌دید و حرکت ایجاد می‌کند تا سردی و سستی. پیداست که اگر عاشقی چنین هنری دارد، حکایت داستان‌های آن هم می‌تواند کمی از همین فایده را داشته باشد و خوانندگان را دفع ملال کند. بعيد نیست حتی برخی مقولات از این دست در مثنوی‌های عرفانی هم به نیت ایجاد جذابیت و دفع ملال در آنها بوده باشد.

این دفع ملال و دورکردن یا کم کردن غم و غصه که معمولاً بسیاری از انسان‌ها در بیشتر عمر خود با آن روبه رو هستند، بهانه خوبی برای «هنر غیر متعهد» بوده است. شاید بتوان داستان‌های عرفانی را که، بنا به تعریف، روح را تعالی می‌دهد و داستان‌های رزمی را که فرد را تشویق به مبارزه و دفاع از حریم خود می‌کند، نوعی هتر متعهد خواند، که کسی شاعر را به خاطر پرداختن به آن سرزنش نمی‌کند. براین اساس شاید شعر سرودن درباره عشق و هوس، توجیه اخلاقی و معنوی نداشته باشد، چرا که ممکن است تشویق مردم به هوسرانی تلقی شود؛ و این چیزی است که آنها را از زندگی و جدیت و کار و تعالی و اخلاق و ... باز می‌دارد. پاسخ نظامی به این پرسش‌های احتمالی این است که نجات دادن انسان از

انبوه افکار و امیال و پرسش‌ها و خواهش‌ها که در بیشتر وقت‌ها بیشتر انسان‌ها را آزار می‌دهد، کار بدی نیست. یکی از مهم‌ترین راه‌های کاستن از فشار آنچه می‌خواهیم بدانیم و نمی‌دانیم و آنچه می‌خواهیم به دست آوریم و نداریم و عموم دغدغه‌هایی که زندگی را تلخ می‌کند، روکردن به نوعی تفریح وقت گذرانی مطبوع است، و آنچه کسانی آن را هنر غیر متعهد خوانده‌اند یعنی هنری که بیش از آن که به فکر تعالی باشد و تحرک به فکر تفریج و تفریح است به خوبی از عهده این کاربرمی‌آید. و از جمله مهم‌ترین شکل‌های این هنر، داستان‌های شورانگیز عشقی است. البته شک نیست که در گوشه و کنار همین داستان‌های عشقی، نظامی «لطائف حکمی بانکات قرآنی» آورده است و در بعضی موارد هم که این اشاره‌ها کم به نظر آمده، گویا نسخه‌نویسان و کاتبان کمبود را برطرف کرده‌اند! اما نکته‌ای که ربط مهمی با موضوع محوری این کتاب دارد این است که هوسنامه بنائگزیر بیشترین ارتباط را با زن دارد. از میان مثنوی‌های رزمی و بزمی و عرفانی، مثنوی بزمی کم تراز موارد دیگر می‌تواند از قهرمان زن و ارتباط با زنان و طرح امیال و افعال و افکار آنان برکنار باشد. به ویژه که بزم نظامی با سایر درگیری‌های زندگی هم درآمیخته و از چالش‌های اخلاقی و اجتماعی هم پرپار است. هوسنامه نظامی فقط هوسنامه نیست، بلکه به حکایت تجربه یک مبارزه چندوجهی عشقی و اخلاقی بیشتر شبیه است. وزنان این اشعار و این داستان‌ها از جهت اخلاقی و رفتاری بیشتر جلب توجه می‌کنند تا زیبائی و دلبری زنانه. بنابراین مثنوی‌های نظامی متون جالب توجهی برای بررسی وضعیت زن در سنت گذشته و در آئینه شعرو شاعری است. خانم دکتروجودی نعمتی می‌گوید: «توجه خاص نظامی به زنان، به عبارت دیگر «زن محوری» در آثارش قابل بررسی است و مجموعه فضایلی که زن آرمانی در شعروی

دارد، با استناد به تمام آثار او، یعنی ۳۰ هزار بیت مشتمل بر مخزن اسرار، خسرو و شیرین، لیلی و معجنون، هفت پیکر، اسکندر نامه (شامل اقبال نامه و شرف نامه)، قصاید و غزلیات و... ارائه می‌گردد. یادآوری این نکته ضروری است که آراء و نظریات او در زمانهٔ خود، از نگاهی روشن و پیش‌بین حکایت می‌کند که با جامعهٔ بسته و فئودالی آن روزگار ساخت زیادی ندارد، بلکه در میان شاعران دیگر نیز نظایر بسیاری برای آن نمی‌توان یافت. به بیان بهتر، آثار نظامی آینهٔ آرمان‌شهرادی زنان است که از پس قرون به دست مارسیده و بخشی از آرمان‌ها و نیز واقعیت‌های امروزی را در خود نشان می‌دهد.^۱

اما اهمیت دیوان شعر نظامی و داستان‌های عشقی و ناگزیر زن محور او فقط در آنچه گفته شد نیست. دیوان این شاعر سرشار از تجربه‌های ناب هنری است که شخصیت خلاق بی‌مانندی مثل حافظ را به رقابت برمی‌انگیزد تا بگوید که سروده‌اش «گاه لطف سبق می‌برد ز نظم نظامی». علاوه بر این خمسه مشتمل بر انبوی از تجربهٔ زندگی است که در جای جای آن در لابه‌لای مباحث اشاراتی به آنها می‌کند. و از این رهگذر گاه می‌توان دریافت که لایه‌های مختلف اجتماع در آن اعصار چه می‌اندیشیده و چه می‌گفته‌اند. اشعار داستانی نظامی هم چنین حجم قابل توجهی از نکات اخلاقی و عرفانی و حکمی و اندیز را در خود جای داده و بسیاری از ایيات آن به ضرب المثل تبدیل شده است. به همین سبب هم، زن در این ایيات و اشعار و داستان‌ها، ضرورتاً، بیش از ابزار سرگرمی و فنی برای ایجاد کشش و جذابیت در سیر حکایت است و همین قسمت‌هاست که در ارتباط بیشتر با موضوع بحث این کتاب قرار

۱. اکرم جودی نعمتی، زن در آئینهٔ شعر فارسی، ص ۱۱۸.

می‌گیرد. نوشتۀ حاضر در پی این است که موقعیت زن را در این داستان‌ها بازخوانی کند؛ یعنی با نگاهی ملهم از حساسیت‌های امروزین به موقعیت و رفتار زن در این داستان‌ها نگاه کند؛ تا معلوم شود، در فضای این اشعار و حکایات، تا چه حد زن در قالب سنتی خود قرار دارد و تا چه حد از آن بیرون می‌آید و به معیارهای زن باور مدرن نزدیک می‌شود. مطالعه متون ادبی کلاسیک، واژجمله آثار نظامی، به منظور بازخوانی هویت و موقعیت زنان در آنها، نه با هدف پیگیری این ادعایست که در گذشته‌های دور و در عصر سنت، زنان ایرانی جایگاه اجتماعی مناسب و مطلوبی داشته‌اند، یا شاعران بزرگ نگاهی پیشرفتۀ و امروزین به زن داشته‌اند، و نه به منظور تأکید بر این است که ستم جنس محور با چه شدتی جربان داشته است. نگاهی معتدل ترشاید جلوه‌های از این هردو را نشان دهد، اما به ویژه سیر رشد نگاه انسانی به زن را با پیچیدگی‌ها و فراز و فرود‌هایش به نمایش می‌گذارد. بی‌شک این انتظار وجود ندارد که اصل داستان‌ها یا پردازش آنها از سوی شاعر، با مبانی نقد معاصر، حتی به طور نسبی، تطبیق کند، اما این هم مهم است که کسی مثل نظامی، با الهام از درک انسانی و اخلاقی و نیز البته ذوق هنری و داستانی، تا چه حد، در مورد زنان، در متن فرهنگ زمانه خود قرار دارد و تا چه اندازه و چگونه از آن فاصله می‌گیرد. اهمیت مسئله در این است که متون مهم ادبی در تربیت فکری و فرهنگی مردمی که طی قرن‌ها آنها را خوانده‌اند تأثیرات مهمی داشته است، و بازخوانی آنها می‌تواند برخی آموختن‌ها و نیاموختن‌ها در این زمینه را برملا کند. در میان بزرگان شعر کلاسیک فارسی، نظامی شاعر زندگی است و زندگانی آدمی یکی از بهترین تجلیات ادبی خود را در توصیف عاطفه و عشق زن و مرد و بنیاد خانواده می‌یابد. نظامی از جمله بزرگ‌ترین اساتید توصیف‌گراین رابطه بنیادین جامعه

انسانی است.^۱ از این رو بررسی و بازخوانی آن از این منظر می‌تواند به درک تاریخی و فرهنگی ما از سیر جایگاه زن کمک کند.

در دیوان هیچ یک از شاعران بزرگ، به اندازه دیوان نظامی زن مستقل‌اً موضوعیت ندارد. در دیوان‌های غزل، حضور زن کاملاً محسوس است و اساساً پیدا کردن چیزی در حاشیه آن، گاه دشوار به نظر می‌آید، اما زن در غزل موجودی غیرفعال و صرفاً مخاطب است؛ موضوعی است برای دوست داشتن و عشق ورزیدن و اظهار تمایل شدید و گله‌گذاری و ستایش و توصیف و حسرت و ... اما سخنی نمی‌گوید و اظهار نظری نمی‌کند، بلکه در حالت انفعال است. البته شاید تعابیری چون فروکاستن زن به ابزاری برای بازی و نابود کردن انسانیت او زیر بار جذایت صوری، برای توصیف غزل، سخنی تند و افراطی باشد، اما در هر حال مسلم است که حتی از نگاه نوعی زن باوری خفیف و کم مدعاهم، فروکاستن زن به موضوع عشق اغلب یک طرفه مردانه، که بهترین تجلیگاه آن دیوان‌های غزل است، ناپذیرفتی است. در تعارض با چنین شیوه‌ای، دیوان حکیم نظامی جایگاه ویژه‌ای دارد: مورد منحصری است که شاعری تراز اول، به زن نقش فعال و گاه نقش اول داده است. گرچه در خمسه نظامی شاید حضور زن از منظر صفات غیرزنانه، از دلاوری تا امارات و از ابتکارتا بلندپروازی، قابل قیاس با شاهنامه فردوسی نباشد، اما از یک جهت برآن برتری دارد و آن این است که در شاهنامه علی رغم تمام اهمیتی که زن در آن دارد، زنان به کوتاهی در متن قرار می‌گیرند و به دشواری نقش اول می‌یابند، در حالی که در مواردی از خمسه، به ویژه در خسرو و شیرین، زن در متن است و مرد در حاشیه. از این حیث داستان‌های منظوم نظامی در

۱. محمود عبادیان، زن و مرد، در آینه‌ی داستان‌های نظامی گنجه‌ای، ص ۱۲۰۸.

بازخوانی اوصاف زن سنتی، از منظر امروزین، جایگاه قابل توجهی پیدا می‌کند. این درست است که بخش وسیعی از حضور زن در خمسه در موقعیت کلاسیک خط و خال و رنگ و آب و طول و عرض اندام و موی و روی و ... نهایتاً مغازله و معاشه است؛ حتی این نیز درست است که بعضی از تعابیر مردمدار و تحقیرگر زن هم گاه و بی‌گاه خود را در میان ایيات این مجموعه جاده است. اما به رغم تمامی این چیزها، برجستگی‌های روح زنانه در این داستان‌ها چنان است که آنها را، از منظر بازخوانی مورد نظر این نوشتۀ، شایسته توجه جدی می‌نماید. آقای منصور ثروت برآن است که، در بادی امر، نسبت به نظر نظامی در باب زن تضادی ملاحظه می‌شود. اما پس از دقیقی کوتاه و مروی اندک بر جمیع آثار وی می‌توان این تضاد را بین شکل حل نمود که بخشی از نکات منفی نگرش بر زن از رسوبات اندیشه و فرهنگ غالب عصر نظامی وارد شده و در واقع بیان اعتقادات زمان و اهل زمان است، و بخش دیگر اعتقاد شخص نظامی است که از طریق داستان پردازی‌های وی نظرات شخصی او را گسترش می‌دهد. آنچه که از افکار عمومی و فرهنگ غالب عصر نسبت به زن در آثار نظامی آمده است، در عین مشتمل بودن بر برخی محسنات، وسیله گناه و شهوت، غفلت از روز آخرت و انحراف از طریق حق تلقی گشته است. در چنان فرهنگی از چنین موجودی دوری جستن توصیه شده، از زبان افلاطون نقل شده است که زن و پرخواری هردو ویرانگر است و شاه اگر می‌خواهد موفق شود باید از آشپز ما هر و جفت زیبا پرهیزد. غذا کم بخورد و زن کم بگیرد. «علاوه، در نظر حکماء زهد پیشه‌ی یونان، زن و شراب دونیروی زایل کننده خرد هستند. در این فرهنگ، میل زن قویتر است و در مقابل مرد قدرت خویشتنداری ندارد، پس بهتر است که پیوسته در پرده پنهان باشد. زیرا جزاین مایه‌ی ماتم و

عز خواهد بود و جمشید چه نیکو گفته است که جای زن بهتر است در پرده باشد و گرنه در گور بودنش اولی است.^۱

اما با همه این موارد، داستان‌های عشقی اگرچه بزمی است و اگرچه خالی از نگاه‌های تحقیرآمیز به جنس مؤنث نیست، اما به دلیل داستان بودن، از نظر بحث‌های مربوط به زن و موقعیت و شخصیت، چند گام بلند از غزل جلوتر است. زن در غزل مثل یک پروانه زیبای سنجاق شده است؛ عموماً خشک و بی روح و فقط زیبا و ستودنی. بیشترین تحرکی که زن در غزل می‌یابد جائی است که شاعر پس از وصف چشم و ابرو و خد و خال و غبب و گردن و ساعد و ساق ... در پی این برمی‌آید که کوشمه اورانیزانشان دهد و مجبور می‌شود اورا به حرکت و ادارد تا ضمن راه رفتن بعضی زیبائی‌های متحرك هم به آن تابلوی رنگ و نقش اضافه شود. اما در داستان عشقی لااقل زن تحرکی دارد، حرفی می‌زند، اعتراضی می‌کند، مطالبه‌ای دارد و هرچند در نقش فرعی، اما انسانی است و شخصیتی دارد. زن در غزل، حالت پرده پرده خوان‌ها را دارد؛ نقشی روی پرده است البته نقشی زیبا، و پرده خوان که همان شاعر است با اشاره انگشت یا چوبکی به قسمت‌های مختلف نقش این پرده، درباره آن توضیحاتی می‌دهد. اما زن در مثنوی‌های داستانی (هرچند بزمی)، به هر حال نقشی بازی می‌کند و تحرکی دارد و این حداقل امتیاز است. در این داستان‌ها زنان کمی از پرده‌نشینی بیرون می‌آیند؛ و در داستان‌های نظامی، این خروج از پرده‌نشینی گاه با رفتارها و گفتارهای همراه است که به مطالبات یا ایدئال‌های زنانه نگرامروز نزدیک می‌شود؛ فاعلیت، تدبیر، تساوی، یا برتری طلبی. به ویژه، چیزی در داستان‌های نظامی هست که،

۱. منصور ثروت، گنجینه‌ی حکمت در آثار نظامی، صص ۲ - ۲۲۱

از این نظر، او را تا مرز منحصر به فرد بودن پیش می‌برد و آن دادن مقام عاشقی به زن است.

بسیاری براین حقیقت انگشت تأکید گذاشته‌اند که بجز توصیه‌های اخلاقی، نگاه نظامی از درون داستان‌ها یش به جنس زن خیلی ژرف‌تر از توصیف‌های ظاهری او از زیبایی زنان است. او در این داستان‌ها به جنس زن به عنوان موجودی انسانی می‌نگردد که استعداد رهبری و اداره کشور، آموختن دانش و بیانش در آنان وجود دارد. شخصیت‌های زن داستان‌های او همچون مردان در صحنه‌های سیاست و دانش و دادگری و نیز جنگ و دلاوری فعال‌اند و در کنار این‌ها از عفت و عصمت هم برخوردارند. و در بسیاری موارد به ویژه در صداقت عشق و پایداری در راه آن، بر مردان پیشی می‌گیرند. نمونه آن حکمرانی شمیرا و شیرین است که حکومتشان عادلانه‌تر از خسروپریز است؛ هم چنین شخصیتی چون نوشابه که اسکندر از او به عنوان فرمانروایی حکیم نکته‌ها می‌آموزد. یا هفت کنیز ک هفت گنبد که افسانه‌هایشان مملواز نکات اخلاقی و حکمت‌های زندگی است و بهرام از شنیدن آنها عبرت می‌آموزد. و برجسته‌تر از همه، در میان این شخصیت‌ها، شیرین است که شخصی مثل خسرو را به سوی دانش و دادگری راهنمائی می‌کند.

در میان جمیع آثار نظامی، گویاترین تصویر زن، در شیرین ولیلی گرد آمده است. گرچه این دو شخصیت بسیار متفاوت از یکدیگر طراحی شده‌اند، اما حتی فرودستی‌های لیلی و برخی احوال افعالی، برخلاف آنچه که برخی گفته‌اند، وی را تا حد یک زن معمولی پایین نمی‌آورد. این دو داستان مشهورترین و محبوب‌ترین داستان‌های عشقی در زبان فارسی است. و شایسته این بررسی که قهرمانان زن آن در ترازوی فرهنگ زنانه نگر وزن باور امروز چه وزنی دارند.

اگر فردوسی در شاهنامه قهرمانی و پهلوانی و شکوه مبارزه و میدان و رنج شکست و اموری که در اطراف محور قدرت می‌گردند را به گونه‌ای آرمانی کرد که میان آسمان اسطوره و زمین واقعیت در رفت و آمد بود، نظامی هم در خسرو و شیرین و لیلی و معجنون دلبستگی و زیبائی و ناز و قهر و شکوه عشق و وصال و درد فراق و رسائی و ناکامی را به شکلی آرمانی کرد که از سوئی چنان دست نیافتندی و تخیلی است که به سختی قابل پیروی است؛ و از سوی دیگر چنان آشنا و مأنس است که معیار شناخت عشق شده است. «در هردو داستان عشقی، حکیم گنجه با آگاهی از فرهنگ و سنت ایران و همسایگان به ترسیم چهره‌ای اخلاقی و مقدس از عشق و عاشقی پرداخته است».^۱

اصولاً داستان خسرو و شیرین و تا حدی هم لیلی و معجنون از یک جهت در ادبیات فارسی استثناست و آن حضور زن به عنوان شخصیت برتریاً لااقل مهم نمایشی در داستان است. همین نکته ارزش دادن نظامی را نسبت به زن نشان می‌دهد. در هردو داستان عنصر برجسته اخلاقی نیز در نزد دوزن گرد آمده است. چرا که شیرین بسی عفیف تراز خسرو پروریز، خردمندتر و حکیم‌ترو مستقیم‌تر در عشق نسبت به اوست، و مقام لیلی را نیز برخی به مناسبت کتمان عشق و سوختن و ساختن در آتش آن، در مقام قیاس با معجنون که عشق را پوشیده نداشته است بالاتر می‌دانند. همهٔ حادثه‌ها در داستان خسرو و شیرین که حول محور شخصیت شیرین می‌گردد، نیز دلیل بر بهای خاصی است که زن در دیدگاه نظامی کسب کرده است. در این باره گفته شده است: «در هیچیک از داستان‌ها و

۱. عبدالرضاسیف، خلاصه و مقایسه خسرو و شیرین و لیلی و معجنون نظامی گنجی، ص ۲۴۷.

منظومه‌هایی که در مشرق زمین، پیش از نظامی نوشته شده، به چنین وضعی برخورد نمی‌کنیم. اصولاً تمثال زن، همیشه در طرحی منفی نمایانده می‌شد. نظامی با احساس‌های حقیقی انسانی خود، این سنت پوچ را، که در اصل مانع رشد و تکامل ادبیات می‌شد، رد می‌کند و چند تمثال مثبت زن می‌آفریند که بیشتر آنان به مثابه‌ی قهرمانان جاودان ادبیات جهانی، قرنهاي متتمادی در آثار ادبی ملل گوناگون تجسم یافته‌اند و تکرار شده‌اند.^۱

در این نوشته مسائل زنان به صورت موضوعی مطالعه نشده است. چون در داستان‌های نظامی زنان در متن داستان قرار دارند. یا نقش اول را دارند مثل شیرین یا نقش دوم را دارند مثل لیلی. علاوه بر این، قهرمانان زن در داستان‌ها به نسبت محدودند و حتی نقش و حرکات آنها هم گواین که از اهمیت برخوردار است اما تنوع محدودی دارد. در حالی که مثلاً در شاهنامه، که ما آن را در کتاب رودابه و سودابه به صورت موضوعی بررسی کردیم، زنان قهرمان اصلی یا حتی در مجموع قهرمان نقش دوم هم نیستند، اگرچه گاه موقعیت مهمی پیدا می‌کنند اما از سیر کلی روند داستان فاصله دارند و حضورشان در داستان به مناسبت‌های مختلف و متنوع است. در متن‌های نظیر شاهنامه متن داستان در دست مردان است ولی زنان متعددی در گوش و کنار داستان، نقش‌های کوچک ولی متنوعی را اجرا می‌کنند. همین تنوع بود که به بررسی موضوعی راه می‌داد. در حالی که نقش شیرین و به ویژه لیلی با وجود اهمیت محوری از تنوع محدودی بهره مند است. به همین دلیل جدا کردن آنها از متن روایت داستان و تحت عنوانی مختلف درآوردن آنها چندان مفید یا آسان

۱. منصور ثروت، گنجینه‌ی حکمت در آثار نظامی، ص ۷ - ۲۲۶

نیست، و برهمنی اساس ترجیح دادیم که به موازات سیر داستان، مسائل مربوط به زنان مورد توجه قرار گیرد. همچنین از کل خمسه نظامی به دو داستان مهم خسرو و شیرین و لیلی و معجنون اکتفا کردیم. هم به دلیل این که در مثنوی‌های دیگر به جزه‌فت پیکر سخن زیادی راجع به زن نیست و هم به این دلیل که بعید است این دو مثنوی مورد بررسی، نمونه‌ای به قدر کافی گویا از زن در دیوان نظامی به دست ندهد.^۱

۱. تمامی شماره‌هایی که در متن ذیل اشعار یا اشارات شعری نظامی آمده است، شماره صفحه خمسه نظامی، با مشخصات زیر است: خمسه نظامی، تصحیح سامیه بصیر مژده‌ی، بازنگریسته بهاءالدین خرمشاهی، نشر دوستان، تهران، ۱۳۸۳.